

## مبانی و مستندات قرآنی اصول اخلاقی بیانیه گام دوم انقلاب

عبدالله غلامی، سید ابوالفضل موسوی زاده، پریوش باباخانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

### چکیده:

در بیانیه گام دوم، رشد معنویت و اخلاق نیازمند همراهی حکومت‌ها دانسته شده، اما با این حال تصریح شده است که این دو، با دستور و فرمان به دست نمی‌آید. همچنین تأکید شده است که دستگاه‌های مسئول حکومتی و همچنین اشخاص و نهادهای غیر حکومتی، باید برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامع برای جلوگیری از فعالیت‌های ضد معنوی و ضد اخلاقی تنظیم و اجرا کنند موضوع اخلاق و اصول آن موضوع بسیار مهمی است پیام انقلاب اسلامی برای جهان و بشریت، پیام معنویت، اخلاق، توجه به خدا و وارد کردن این عنصر کمال فردی و اجتماعی در زندگی است. با توجه به این مهم، پرسش اصلی این است که آیا می‌توان اصول اخلاقی بیانیه گام دوم را از قرآن کشف و تبیین کرد؟ و اصول اخلاقی بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس آیات قرآن کریم کدامند؟ نتایج تحقیق نشان داده است، که بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری مولفه‌هایی همانند: اهداف بیانیه گام دوم و مهمترین اصول اخلاقی آن را بر اساس قرآن کریم بیان کرده که عبارتند از: اصول اخلاقی اعتقادی، شامل توکل و ایمان، اصل تقوا و تهذیب نفس، اصل اخلاص، اصول اخلاقی رفتاری شامل راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس و اصول اخلاقی اجتماعی شامل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان. در این تحقیق با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به تبیین و بررسی آن پرداخته است.

**واژگان اصلی:** اصول اخلاقی اعتقادی، اصول اخلاقی رفتاری، اصول اخلاقی اجتماعی، مستندات قرآنی.

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

mosaviqom251@yahoo.com

۳. طلبه سطح سه مرکز تخصصی حضرت ولی عصر(عج)، کرمانشاه، ایران

## مقدمه

اخلاق و اصول اخلاقی از دیرباز و در همه جوامع مورد توجه پیامبران الهی، فیلسوفان، اندیشمندان، معلمان و والدین قرار داشته است، بشر امروز نیز به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد.

در اهمیت رشد اخلاقی و رعایت اصول اخلاقی در اسلام چون همراه با مفاهیم گوناگونی مانند هدایت، نجات و به کمال رسیدن مطرح است. انسان متناظر با رشد مادی و جسمی رشد روحی و معنوی نیز دارد؛ و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که از اهداف نزول قرآن کریم می‌توان به تربیت، تهذیب و رشد اخلاقی انسان و هدایت جامعه به سوی رعایت اصول اخلاقی و رفتن به سوی ارزش‌های اخلاقی اشاره کرد. در آیاتی از قرآن، نسبت به اخلاق و تزکیه نفوس تأکید شده است (بقره)؛ (آل عمران)؛ و وجود این مباحث در قرآن و احادیث نشان از مهم بودن سخن است همچنین معنویت از نظر رهبر فرزانه به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است؛ اخلاق نیز به معنای رعایت فضیلت‌هایی هم چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن این فضائل اخلاقی، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌کند و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. تحقق گام دوم از نظر ناخدای انقلاب در گرو وجود این اصل است. چندین اثر درباره اصول اخلاقی نوشته شده است مثل کتاب اصول اخلاقی - تربیتی - ارتباط گفتاری در قرآن و حدیث اثر محمد حسن باجلان و پایان‌نامه فاطمه حیاطی که در سال ۱۳۸۸ با عنوان بررسی نسبیت اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات بعد از بیان دیدگاه و مکاتب اخلاقی مختلف، نسبیت اخلاقی از دیدگاه قرآن را بررسی می‌کند و دیدگاه قرآن را اطلاق معرفی نموده. مقاله جعفر شاه نظری (۱۳۸۹) تحت عنوان «بنیاد اخلاق از نگاه قرآن» با نظریه‌ها و فلسفه‌های موجود به تبیین اخلاق در قرآن پرداخته و تمام گزاره‌های قرآن را به هم پیوسته و ناظر به هم در یک شبکه پیچیده و منسجم بیان می‌کند و فلسفه اخلاق را در قرآن، بر نظام توحید استوار می‌سازد و در کتاب بنیادهای اخلاق اسلامی آمده اخلاق علمی است که درباره شناخت فضایل و رذایل اخلاقی گفت‌وگو می‌کند. (ص ۱۰). از آنجا که اخلاق مطمئن‌ترین و ضروری‌ترین قواعدی را به ما می‌آموزد که رعایت آن سعادت فرد و اجتماع را در پی دارد و پیشرفت تمدن و ترقی در مراتب علمی، مادی و صنعتی در گرو اخلاق اسلامی است از این رو مسأله اساسی این پژوهش این است که بر اساس

اصول اخلاقی قرآن در بیانیه دوم راه ها و روش هایی برای کمال وجود دارد. در این تحقیق با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به تبیین و بررسی آن می‌پردازیم.

«تعاریف»

«ا صول» در لغت به معنای بیخ، بن و ریشه و پایه است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۷۹) برای بحث درباره هر موضوعی باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه کرد. در این معنا اصل در مقابل «فرع» قرار دارد. گاهی نیز اصل به معنای عینی و متحصل در خارج است که از این نظر می‌توان از واژه «اصیل» در مقابل «اعتباری» سخن گفت. افزون بر این، کلمه اصل در معنای «دلیل»، «رجحان» و «قاعد» به کار رفته است. اصول اخلاقی یا گزاره‌های اخلاقی گزاره‌هایی است که در ناحیه موضوعشان یک فعل یا صفت اختیاری قرار گرفته و در ناحیه محمولشان یکی از مفاهیم هفتگانه (خوب، بد، بایسته، نبایسته، نادرست، وظیفه) قرار دارد. دست‌بندی‌های مختلفی در مورد اصول اخلاقی هست و برخی، اصول اخلاقی قرآن را در سه محور رده‌بندی کرده و شامل اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق الهی دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۴)

### اخلاق

اخلاق بیانگر صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری ماست.

واژه «اخلاق» جمع خُلُق و خَلَق است و در لغت به معنی مفاهیم خوی ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت، خوش رفتاری (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

«برخی از لغت‌شناسان معتقدند خَلَق و خُلُق هر دوی یک معناست لکن خَلَق به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌هایی اختصاص دارد که به وسیله چشم قابل دیدن هستند و خُلُق به خوی و سجایایی که با بصیرت و دیده درک می‌شود اطلاق می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲۹۷)

در قرآن از هر دو گونه رفتار نیک و بد، با نام خُلُق یاد می‌کند: درباره پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، آیه ۴)

و درباره قوم هود، آن‌جا که به او گفتند: «سواء علينا أوعظت أم لم تكن من الواعظين»؛ «چه پند و اندرز دهی یا ندهی، بر ما یکسان است» می‌فرماید: «ان هذا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ» (شعراء، آیه ۱۳۷)؛ این همان شیوه ناپسند نیاکان ایشان است که به ارث برده‌اند. در قرآن از هرگونه رفتار نیک و بد بانام خلق یاد می‌کند. از این‌رو، خلق و خوی، به شیوه درونی گفته می‌شود که در روش و رفتار انسان مؤثر باشد؛ خواه پسندیده یا ناپسند بوده باشد.

بنابراین منظور ما از مبانی و مستندات قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب همان سلسله ضوابط، قواعد و دستورالعمل‌ها و ارزش‌های اخلاقی است که هم در قرآن و هم در بیانات مقام معظم رهبری بیان شده است. سنگ بنای زیرین بنای اخلاق، پاکسازی درون و دوری از آلودگی انحراف و گناه رعایت اصول اخلاقی است که متأسفانه در جامعه امروز زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرد. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم، محورهای زیادی را مورد توجه قرار ندادند و اگر موضوعی را به عنوان توصیه عملیاتی برای تمدن‌سازی اسلامی مطرح می‌کنند، نشان می‌دهد که این موضوع از اولویت‌های خاص است که ایشان در سطوح عالی نظام به آن رسیده‌اند.

### مبانی و مستندات اصول اخلاقی در قرآن و بیانات مقام معظم رهبری

#### بعد اعتقادی اصول اخلاقی

##### تقویت روحیه ایمان:

در بسیاری از آیات قرآن به رابطه بین ایمان به خدا و امید اشاره شده است. از جمله آیه ۱۷ سوره یوسف «وَلَا تَيْسُؤْا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» مقام معظم رهبری در تفسیر آیه ۷ سوره محمد می‌فرماید: وقتی؛ انسان کار بزرگ و خدایی را در ست انجام می‌دهد «تَذُصُّرُوا اللَّهَ يَذُصُّرْكُمْ» و تمام وقت شما در راه نصرت الهی قدم زدید خدای متعال قطعاً شمارا نصرت خواهد کرد. (منافقون، آیه ۷) و از آنجاکه گنجینه‌های آسمان و زمین از آن خدا ست و پاداش الهی بیش از عملکرد ما ست «وَيُثَبِّتُ أَقْدَامَكُمْ» (محمد، آیه ۷) پس، تقویت ایمان به خدا در، فرزندان روحیه به آینده و رفع موانع را در حوزه زندگی شخصی، اجتماعی و جهان اسلام فراهم می‌نماید.

#### اصل توکل و ایمان

معرفت دینی یا همان ایمان به خدا یکی از اصول اخلاقی است که هم در قرآن و هم در بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است از آنجا که اخلاق و اصول اخلاقی جز در سایه ایمان و معنویت به وقوع نمی‌پیوندد و ابزار رسیدن به کمال همان ایمان و معنویت و توحید است اصل اخلاقی معرفت دینی که در قرآن به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو

الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست» (آل عمران، آیه ۱۸)

مهمترین شعار پیامبران الهی، وحدانیت و توحید بوده است و خداوند بیشترین هزینه را برای معرفی خود انجام داده است؛ اما تحلیل همه آن‌ها این است که باور افراد جامعه در ایمان به خدا، آنان را در یک نقطه گرد هم می‌آورد.

این اصل اخلاقی که در بیانات مقام معظم رهبری نیز بدان اشاره کرده و می‌فرماید: «به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.» مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.

این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. (بیانیه گام دوم)

بنابراین همان‌طور که از بیانات مقام معظم رهبری و نیز قرآن کریم معلوم است معرفت و فهم دین و ایمان و توحید از اصولی است که اگر کسی با شناخت کافی و کامل متدین و دیندار باشد منحرف نمی‌شود و این کار جز در سایه الزامات انسان با پروردگار از طریق ایمان و توحید امکان پذیر نیست بنابراین از اصول اخلاقی که هم در قرآن به آن اشاره شده و هم در بیانات مقام معظم رهبری ایمان و توحید است.

## ۲. اصل تقوا

تقوا کانون کسب فضایل و دوری از رذایل است. و با ارزشمندی انسان نسبت مستقیم دارد همان‌گونه که قرآن نیز این امر را تأیید می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست» (حجرات، آیه ۱۳)

ترک پیروی از هوای نفس و تقوا از اصول اخلاقی است که در قرآن به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص، آیه ۲۶)

فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد»

تقوا از ریشه «وقی» در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق‌العاده است (ابن منظور، ج ۱۵، ۴۰۲). در کتاب راغب اصفهانی آمده است که تقوا از «وقایه» و وقایه به معنی

حفظ شیء است از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۷۹)

در فرهنگ قرآن کریم متقی کسی است که باایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۲)

تقوا یکی از اصول اساسی دعوت پیامبران است و تحقق هدف آفرینش بدون آن ممکن نیست زیرا انگیزه هدایت و بهره‌گیری از آیات الهی است، چنان‌که خداوند در آیه دوم سوره بقره می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَأُرِيَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» این قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است (بقره، آیه ۲). بااینکه قرآن هدایت برای همه مردم است علت اینکه تنها پرهیزگاران را ذکر می‌کند این است که تا مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد (مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ باعقل و فطرت است) محال است انسان از هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد (مکارم شیرازی، ج ۱: ۶۹)

خداوند در آیه ۱ سوره مبارکه احزاب پیامبر را سفارش به تقوا می‌نماید و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» ای پیامبر از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر که خدا همواره دانای حکیم است. «همچنین در سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «...قُلْ إِنْ هُدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ • وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» بگو: هدایت خداست که هدایت [واقعی] است و دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم؛ و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید. (انعام، آیه ۷۱-۷۲)

از سوی دیگر پیامبران بهترین الگو برای مردم هستند؛ همان‌گونه که خداوند درباره حضرت محمد (ص) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند». (احزاب، آیه ۲۱)

همچنین خداوند درباره حضرت ابراهیم (ع) نیز می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَأَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ...»؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکوست: آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به‌جای

خدا می‌پرستید، بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید». (ممتحنه، آیه ۴)

با توجه به این نکته که تقوا انگیزه حرکت به سوی هدایت الهی است و بدون آن این حرکت میسر نیست همچنین پیام‌آوران الهی که محوریت حرکت‌های انقلابی بوده‌اند و مبارزه با ظلم و فساد و برچیدن حکومت‌های فاسد از برنامه‌های اصلی رسالت آن‌ها بوده است و در قرآن کریم به‌عنوان الگو معرفی شده‌اند، خود از باتقواترین مردم بوده‌اند و مردم را نیز به تقوا سفارش کرده‌اند نتیجه می‌گیریم که تقوا یکی دیگر از ضروریات هر انقلابی است.

از آنجاکه اسلام دین اخلاق است، جلوه ایمان واقعی را در عمل اخلاقی می‌توان دید؛ بنابراین مؤمن انقلابی مجسمه فضایل اخلاقی است و هر چه از نظر شرع و عقل پسندیده باشد رادار است؛ مانند شجاعت ابراهیم (علیه السلام)، صبور بودن نوح (علیه السلام) و یا عظوفت و رحمت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم). البته شدت و ضعف این فضایل اخلاقی بستگی به شدت و ضعف ایمان دارد؛ به‌طور مثال در پیامبران که ایمان را به‌حد اعلای خود دارند در فضایل اخلاقی نیز بالاترین رتبه‌ها را دارند ولیکن در مردم عادی که ایمان ضعیف‌تری نسبت به انبیا و ائمه دارند چنین نیست و هر چه شدت ایمان ضعیف‌تر باشد میزان تلبس به فضایل اخلاقی نیز ضعیف‌تر می‌گردد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در بیانات خود می‌فرماید تقوا برای فردی که در راه دین و ایمان حرکت می‌کند، یعنی رعایت کردن تکلیف دینی و دل ندادن به هوس‌ها و شهوات و منحرف نشدن از راه خدا. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

تقوا یک اصل انسانی و به معنی مراقب خود بودن است و از آنجا که تقوا اجتناب از خطا و گناه و اشتباه و آلودگی و ناپاکی و انحراف است لذا ریشه در آیات قرآنی دارد. همان‌طور که از آیات قرآن و بیانات مقام معظم رهبری پیداست یکی از اصول اخلاقی از منظر قرآن تهذیب نفس و رعایت تقوا است که رهبر معظم نیز در بیانات خود به آن اشاره کرده و بر آن تأکید ورزیده است.

### ۳. اصل اخلاص

یکی دیگر از اصول اخلاقی اخلاص است رهبر معظم انقلاب در بیانات خود می‌فرماید: آن‌وقتی که ما طلبه‌ها این‌طور کار می‌کنیم، برکات الهی با ماست. آن‌وقتی که به آن بدنه شفاف اخلاص ما، اندک خدشه‌ای وارد می‌آید، کارها طور دیگری می‌شود؛ یعنی فوراً می‌بینیم که

یک گوشه کار عیب پیدا می‌کند. تا وقتی که اخلاص هست تا وقتی که «خود» نیست تا وقتی که با کمترین برداشت، بیشترین کار را می‌خواهیم انجام بدهیم و واقعاً به انگیزه و به سائقه همان هدایت الهی کار می‌کنیم، برکات الهی همراه ماست. من یک وقت این را به زنبور عسل تشبیه کردم؛ «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِ شُونَ» و پروردگارت به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) کرد که از بعضی کوه‌ها و درختان و از دار به ست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی بساز.» (نحل، آیه ۶۸)

زنبور عسل در بین گل‌ها می‌گردد و عسل شیرین را که «فیه شفا للناس» است، برای انسان فراهم می‌کند. البته نیش هم دارد و در جای خودش از آن هم استفاده می‌کند. به شرطی که آن نیش زدن بجا باشد، عینی هم ندارد. بدون نیش هم مثل این که خیلی مفید نیست؛ در جاهایی که هم باید از آن نیش استفاده بشود؛ اما کار اصلی‌اش آن نیست؛ کار اصلی‌اش این است که عسل را فراهم کند. تا وقتی که این طور است، برکات الهی همراه است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ۲۰۳)

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب راز بقاء انقلاب را اخلاص دانسته و می‌فرماید در درون وجود ما، بزرگ‌ترین دشمن ما کمین گرفته و آن، نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی‌های ماست. هر لحظه‌ای که بتوانیم این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم ولو به‌طور موقت، در آن لحظه ما موفق و سعادتمند و قادر به عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد فی سبیل الله هستیم. باید به خودمان بپردازیم باید نفع‌های خودمان را اصلاح کنیم باید قدرت معنوی انسانی را که خدا در ما به حد اعلیٰ به ودیعه گذاشته از گل‌ولای شهوات و هوس نجات دهیم. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ۸۵)

یکی دیگر از اصول اخلاقی که هم در بیانات مقام معظم رهبری آمده است و هم در قرآن ریشه و مستند دارد اخلاص است بنابراین می‌توان گفت از اصول اخلاقی در بیانات مقام معظم رهبری و قرآن باهم به آن اشاره شده اخلاص است.

یکی دیگر از اصول اخلاقی اصل اخلاقی اخلاص است که هم در آیات قرآن و هم در بیانات مقام معظم رهبری به آن اشاره شده.

همان طور که از آیات قرآن کریم و بیانات رهبر معظم مشخص است جنبه فردی اصول اخلاقی تزکیه و سازندگی است که اخلاق عامل مهم تزکیه است سیر به سوی تعالی نیز به سوی کمال یکی دیگر از اصول اخلاقی در قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب است.



## اصول اخلاقی اجتماعی

### ۱. اصل تنظیم و تحکیم روابط انسانی

یکی از اصول اخلاقی تنظیم و تحکیم روابط انسانی از طریق تعاون و همکاری است اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌ها همچون خیرخواهی است و یکی از اصول اخلاقی تعاون و همکاری است و بسیار مهم است که خداوند می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید اگر بخواهیم اخلاق اسلامی داشته باشیم، به جهاد، تلاش و کوشش نیاز داریم. در نگاه رهبر معظم انقلاب، شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در استمرار حرکت انقلاب اسلامی، نقش اساسی داشته و شرط لازم برای تحقق آن به شمار می‌آیند. از این رو در متن بیانیه به شاخصه‌های مذکور اشارات صریح شده است. در بخشی از بیانیه در تأکید بر «ایمان» و «معرفت اسلامی» آمده است.

همچنین تأکید بر «جهاد» که بیش از همه در این بیانیه تکرار شده، جز به معنای آن نیست که این کلیدواژه نقش اساسی در تحقق جامعه مهدوی و موفقیت جمهوری اسلامی ایران ایفاء کرده است. لذا در فرازی از بیانیه فرموده است:

«اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول دربارۀ گذشته است. (بیانیه گام دوم انقلاب)

### ۲. همگرایی و خیرخواهی

اصل خیرخواهی یکی از اصول اخلاقی مدنظر قرآن و رهبر است در جامعه این حقیقت نهفته است که اهل ایمان نه تنها مانند دیگر انسانها در زندگی اجتماعی خود از فعالیتهای مشترکی برخوردارند بلکه بهره‌مند از تعاملی سالم و همگرایی بایسته نیز می‌باشند، در علم اخلاق، خیرخواهی در مقابل حسادت است. فرد خیرخواه خواهان بقای نعمت‌های خدا برای مردم است و هیچ دوست ندارد که به آنها بدی برسد. قرآن در بیان این واقعیت می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ»؛ «قومی را نمی‌یابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند». (مجادله، آیه ۲۲)

در واقع، روح همگرایی از همگان می خواهد تا با ارائه راهکارهایی مؤثر، در جامعه حضوری فعال داشته باشند و از هیچ تلاشی برای داشتن جامعه‌ای ممتاز و برتر کوتاهی نکنند.

این فرامین در دستورات قرآن کریم است آنجا که می فرماید: فرامین «صَابِرُوا وَرَابِطُوا» در آیه ۲۰۰ آل عمران «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.» (آل عمران، آیه ۱۰۴)

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ «در راه انفاق کنید». (بقره، آیه ۱۹۵)  
 إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند. پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید». (حجرات، آیه ۱۰)

«وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ «کارشان در میانشان مشورت است». (شوری، آیه ۳۸)  
 «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، آیه ۴۶) و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.  
 آیات قرآنی که خواسته های خداوند در جهت تحکیم همگرایی در جامعه ایمانی است. قرآن کریم در هشدار به کسانی که در ساختن جامعه ای سالم کوتاهی می کنند و به جای حضور در متن جامعه، تنها به نظاره می نشینند، می فرماید: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید. (انفال، آیه ۲۵)

از آنجا که همگرایی هر نوع کنارگیری و عزلت نشینی را نادرست و ناپسند می‌داند بنابراین یکی از اصول اخلاقی از دیدگاه آیات قرآن کریم می باشد. که این اصل به عنوان خیرخواهی در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است.

برای همدل و همزبان شدن باید خصیصه اخلاقی عفو و گذشت را دارا بود بنابراین یکی از معیارهای تحقق اخوت را می توان عفو و گذشت نام برد به دلیل اینکه از سوی دیگر، قرآن کریم در برخی از آیات به موضوع وجود اختلاف میان افراد جامعه اشاره دارد: «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود ۱۱). اختلاف از جمله عواملی است که وحدت و رابطه برادری و همدلی و هم زبانی در جامعه را تهدید می‌کند. گاه برخی از افراد از روی سهو یا عمد رفتاری از خود بروز می‌دهند که زمینه اختلاف میان افراد جامعه را فراهم می‌کنند، در این گونه مواقع، راه حل نزاع و

درگیری نیست بلکه صحیح آن است که در موارد اختلافی از خدا و رسول کمک گرفته شود.

### عفو و گذشت

عفو و گذشت (خطاب به سرمایه داران) یکی از صفات پسندیده ای است که در آیات مختلف قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است و با به کار بردن این صفت در زندگی می توان از ثمرات دنیوی و اوخروی آن بهرمنند شد، ثمرات دنیوی سلامت روانی و جسمانی است و ثمرات اخروی شفاعت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و هم ردیف بودن با متقین و پرهیزکاران است.

انسان در عفو و گذشت است که می تواند ارزش و جایگاه واقعی خویش را به دست آورد این مسئله به ویژه در شدیدترین سختی ها مانند مجازات قاتلین و در امور مالی در هنگام تنگدستی فقیران و بینوایان خود را نشان می دهد شخصی که در اوج غضب و انتقام از جرم قاتل می گذرد و یا از مال خود چشم فرو می بندد تا تنگدستی را نیازارد و با مطالبه پول و مال خویش او را خوار و ذلیل نکند در حقیقت نه تنها کرامت و بزرگواری خویش را خریده است بلکه شرافت و کرامت انسانی را برای همگان حفظ کرده است. (www.daneshchi.ir)

عفو و گذشت از گناه، خطا و لغزش های دیگران و خودداری از مجازات و تنبیه طبق آیات و روایات از جمله اخلاق کریمانه شمرده شده است که شخصیت انسانی را به مکارم اخلاقی نزدیک می کند و اوج اخلاقی شخص را به نمایش می گذارد.

خداوند در آیه «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، آیه ۴۸) امر فرموده است تا همگی به ریسمان محکم او، که در میان بندگانش قرار داده چنگ بزنییم و متفرق نشویم و به گرد اسلام و برادری ایمانی جمع شویم. زیرا زندگی اجتماعی طبیعتاً آمیخته با درگیری و مشاجره و اختلاف است.

قرآن مؤمنان را برادر یکدیگر معرفی کرده و وظیفه آنان را اصلاح ذات البین و رفع سوء تفاهم ها دانسته و شرط تقوا را تلاش برای ایجاد خوش بینی و آشتی و دوستی در بین اهل ایمان بیان کرده است (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (حجرات، آیه ۱۰)؛ برای اصلاح کردن میان مردم، هم ردیف صدقه و احسان، پاداشی بزرگ در نظر گرفته است. (نساء، آیه ۱۱۴)

قرآن کریم افزون بر آن که عفو را از ویژگی های خداوند و پیامبر رحمت می داند، آن را از خصلتهای پارسان و انسانهای رشد یافته معرفی کرده است «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يَحِبُّ

المح سنین». (آل عمران، آیه ۱۳۴) زیرا آنان که از روحی بلند برخوردارند پس از خشم که بحرانی ترین انفعالات است، اختیار خود را از کف نمی دهند و به آنچه خطاکاران انجام داده اند دست نمی آیند بلکه آن گاه که به خشم می آیند از روی بزرگواری خشم خود را فرو می نشانند. «وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ». (شوری، آیه ۳۷)

هر چند بر اساس آیاتی از قرآن که بدی را پاداش بدی میداند «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری، آیه ۴۰)

میتوان متجاوزان به حقوق خود را مجازات کرد، شایسته تر آن است که در جامعه ایمان مدار، از کیفر آنان چشم پوشید، چه عفو که خوی کریمان است. (خوانساری، ج ۲، ۴) رهاوردی بسیار دارد؛ از جمله زودده شدن کینه‌ها، بهبود روابط اجتماعی و استحکام برادری در جامعه ایمانی.

بنابراین عفو و گذشت در اختلاف که باعث از بین رفتن کینه‌ها در بین برادران و تبدیل دشمنی به دوستی بین برادران و عدم تسلط دشمن به جامعه برادران مسلمان از معیارهای اخلاقی تحقق اخوت در قرآن مجید ذکر شده است.

قرآن کریم ارزش های اخلاقی در حیات اجتماعی را شامل تعاون و همکاری در قالب تنظیم و تحکیم روابط انسانی یا همان اخوت و تعاون و همکاری، خیرخواهی، گذشت، دانسته است این بحث نیز در بیانیه گام دوم در بیانات مقام معظم رهبری نیز آمده است.

## اصول اخلاقی فردی

### ۱. راستگویی

از جمله اصول اخلاقی و اعمال نیک و پسندیده در اسلام راستگویی و صداقت است. در آیات بسیاری در قرآن درباره صداقت و راستگویی آمده است از جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید. (توبه، آیه ۱۹)

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُتَّقُونَ» نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایی‌اند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند. (بقره، آیه ۱۷۷)

در این آیه ابتدا این گمان را که نیکی روی نمودن به طرف مشرق یا مغرب به عنوان قبله باشد نفی می‌کند و سپس می‌فرماید: بلکه نیکی کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد و مال خود را با آنکه دوستش می‌دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راه‌ماندگان و در یوزگان و بردگان بدهد و نماز را بپا دارد و زکات بدهد و کسانی که به عهد خود وقتی عهدی می‌بندند وفا می‌کنند و از فقر و بیماری و جنگ، خویش‌تر دارند اینان هستند که راست گفتند و همین‌ها ایند که تقوی دارند.

علامه طباطبائی می‌فرماید: این آیه سه بار نیکوکاران را شناسانده و حقیقت حال آنها را بیان نموده است: بار اول در همه مراتب سه گانه اعتقاد و اعمال و اخلاق (از من آمن ... تا حین الباس) بار دوم با عبارت (اولئک الذین صدقوا) و بار سوم با عبارت اولئک هم المتقون (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۴۲۸)

سپس به توضیح عبارات به کار رفته در بار اول می‌پردازد و آنگاه می‌گوید:

اما اینکه بار دوم آنها را با (أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا) شناسانده به خاطر این است که این وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، چرا که صدق با جمیع اخلاق یعنی عفت و شجاعت و حکمت و عدالت (چهار ریشه اخلاق فاضله) و فروع آنها مصاحب و هم‌نشینی دارد. چرا که انسان به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی صادق شد این سه چیز با هم مطابق می‌شود در نتیجه انجام نمی‌دهد مگر آنچه را که می‌گوید و نمی‌گوید مگر آنچه را که معتقد است.

و فطرت انسان در باطن بر قبول حق و خضوع در برابر آن قرار داده شده هر چند که خلاف آن را در ظاهر ابراز کند. پس در حالی که به حق اذعان دارد و در آن صادق است می‌گوید آنچه را اعتقاد دارد و انجام می‌دهد آنچه را می‌گوید و در این هنگام ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل

صالح، همه با هم برایش فراهم میشود. خداوند فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و با راستگویان باشید).

و حصری که از جمله (أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا)، تنها اینها هستند که راست میگویند) استفاده میشود. آن تعریف قبلی را تاکید می‌نماید و معنایش - و خدا داناتر است - این میشود که هر گاه صادقان را خواستی صادقان فقط و فقط ابرار می‌باشند. (همان، ۴۲۹)

و در سوره حجرات می‌خوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که ایمان به خدا و پیامبرش آورده، سپس شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند (و علاوه بر این) با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، این‌ها صادقان هستند. (حجرات، آیه ۱۵)

این آیه نیز صدق را مجموعه‌ای از ایمان و عمل که در آن هیچ‌گونه تردید و تخلفی نباشد معرفی می‌کند.

و در سوره حشر می‌خوانیم: «الْمُفْرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حشر، آیه ۸)

در این آیه مؤمنان محرومی که علی‌رغم همه مشکلات، استقامت به خرج دادند و از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند، و جز رضای خدا و یاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هدفی نداشتند، به عنوان صادقان معرفی شده‌اند.

از مجموع این آیات نتیجه می‌گیریم که صادقین آن‌هایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند.

راست‌گویی از اصول اخلاقی و اعمال نیک و پسندیده‌ای است که در هر جامعه جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد اسلام دین فطرت پاک انسانی است و انسان دارای فطرت پاک و سالم و متعادل دل و زبانش یکسو و هماهنگ است، ظاهر و باطنش یکی است و آنچه را باور دارد به زبان می‌آورد.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که تمامی فضیلت‌ها در علم و عمل به صداقت و راستگویی بر می‌گردد زیرا عفت و شجاعت و دیگر ریشه‌های اخلاق فاضله همه ریشه در صدق و راستی دارد چرا که انسان به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی صادق شد این سه چیز با هم مطابق می‌شود در نتیجه انجام نمی‌دهد مگر آنچه را که می‌گوید و نمی‌گوید مگر آنچه را که معتقد است.

## ۲. شجاعت

یکی دیگر از اصول اخلاقی که در قرآن نیز به آن اشاره شده است شجاعت است ارتباط قرآن و اخلاق فاضله، در پرتو قرآن است، قرآن کریم به پیروان خود می‌فرماید: «**قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا الْا** ما كتب الله لنا»؛ (توبه، آیه ۲۱)

یعنی بگو جز آن چه خدا برای ما مقرر داشته هرگز چیزی به ما نمی‌رسد. و در ادامه این جریان فرمود: «**قُلْ هَلْ تَرْبِصُونَ بِنَا الْاِاحِدَى الْحَسَنِينَ**»؛ (توبه، آیه ۲۲)

یعنی بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی انتظار می‌برید. که این حکایت از پرورش روحیه شجاعت و دلاورمردی رزمندگان اسلام در سایه تعلیم و فرهنگ قرآن دارد. (طباطبایی، المیزان، ج ۹، ۳۲۰)

## ۳. تواضع

تواضع از فضیلت‌های اخلاقی است و در مقابل غرور می‌آید که یکی از زشت‌ترین خصلت‌های آدمی و از رذایل اخلاقی، روحیه استکبار و خودبزرگ‌بینی است. این صفت در آموزه‌های دینی ما به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. قرآن کریم در آیات متعدد از خطر استکبار افکار، عقاید و عملکردهای باطل مستکبران سخن به میان آورده است. از نگاه قرآن مستکبران به دلیل داشتن صفت زشت و خطرناک احساس علو و برتری و خودبزرگ‌بینی، از اطاعت و پرستش خداوند متعال امتناع می‌ورزند آنچه انسان را از انجام وظیفه بازمی‌دارد استکبار، خود برتر بینی، بزرگی طلبی و هواپرستی است این ویژگی مستکبرین در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

«**وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ**»، و هنگامی که به ملائکه گفتیم: برای آدم سجده کنید! پس همگی سجده کردند، جز ابلیس که سرپیچی کرد و استکبار ورزید و او از کافران بود. (بقره، آیه ۳۴)

«**قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ**» \* قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ؛ فرمود ای ابلیس چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستانت قدرت خویش خلق کردم سجده آوری آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی، گفت من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای. (ص، آیه ۷۵-۷۶)

اگر ابلیس، مجذوب خود نشده بود و تنها به خویش توجه نداشت و سایه «اله قیوم» را بر خویش مشاهده می‌کرد، انانیت و خودبینی‌اش شکسته می‌شد و در برابر فرمان الهی خاضع می‌گردید

و به جای آن که به ماده آفرینش خود توجه کند که آتش است و آن را برتر از گل ببیند، مجذوب امر الهی که از منبع عظمت و کبریا و سرچشمه هر جلال و جمال صادر شده بود می‌گردید. (طباطبایی، المیزان، ج ۸، ۲۴-۲۵)

آشکار است آن که همه فضایل را منحصر در خود می‌بیند، در حدّ اعلامی استکبار قرار دارد، چون این روحیه شدت یابد، بدانجا می‌رسد که مستکبر فریاد می‌زند و نعره بر می‌آورد که: «از ما قوی‌تر کیست؟» **فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً؟** و اما عادیان به ناحق در زمین سر برافراشتند و گفتند از ما نیرومندتر کیست. (فُصِّلَتْ، آیه ۱۵)

همه گناهان در تحلیل نهایی به ادعای انانیت و ستیز با کبریایی حق تعالی برمی‌گردد، در حالی که بنده مخلوق حق ندارد که در برابر آفریدگار خویش، به خود اعتماد کرده، بگوید: «من». با این که عظمت حق سراپرده هستی را فرا گرفته و همه در پیشگاه او خاضع و ذلیل‌اند. اگر شیطان مجذوب خود نشده بود و تنها به خویش توجه نداشت و سایه خداوند قیوم را بر خویش مشاهده می‌کرد، انانیت و خودبینی‌اش شکسته می‌شد و در برابر فرمان الهی خاضع می‌گردید. (طباطبایی، المیزان، ج ۸، ۲۴-۲۵)

تواضع در اخلاق دینی مسلمانان جایگاهی ویژه دارد که آن را از حد صرف فضیلتی ممدوح فراتر می‌برد. این معنا را با عنایت به اهمیت تواضع در قرآن و مقابله صریح آیات قرآنی با تکبر و گردنکشی جاهلی می‌توان دریافت. به روزگار جاهلیت، تواضع و فروتنی از فضائل انسان‌های شریف به شمار نمی‌آمد و حتی گاه عرب جاهلی، تا آنجا پرستش‌بت‌ها را پسندیده می‌دانست که تعارضی با غرور وی نداشت. (مجلسی، ج ۶۳، ۴۰۷)

در مقابل، آنچه از آموزه‌های قرآنی به دست می‌آید، نفی قاطع هرگونه کبرورزی نسبت به خداوند و سپس انسان‌های دیگر است.

اصل تواضع در بیانات مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب نیز به عنوان اصل اخلاقی آمده است.

اصول اخلاقی مد نظر در بیانیه گام دوم در بیانات مقام معظم رهبری که عبارت بودند از راستگویی، شجاعت، تواضع، را می‌توان از اصول اخلاقی رفتاری دانست که یک شخص به عنوان فضیلت اخلاقی آن‌ها را باید دارا باشد و همان‌طور که از نظر گذشت در بسیاری از آیات قرآن کریم نیز به این اصل اخلاقی اشاره شده بود.



## نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب یکی از ارزشمندترین مکتوبات تاریخ چهل ساله انقلاب اسلامی ایران است. در این بیانیه به همه آنچه یک جامعه متمدن اسلامی نیاز دارد، اشاره شده است. مبانی و مستندات قرآنی اصول اخلاقی بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اصول اخلاقی که موضوع پژوهش حاضر است نتایج حاصل به شرح ذیل هست. بر اساس قرآن برخی از اصول اخلاقی عبارتند از: اصول اخلاقی اعتقادی، شامل توکل و ایمان، اصل تقوا و تهذیب نفس، اصل اخلاص، اصول اخلاقی رفتاری شامل راستگویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس و اصول اخلاقی اجتماعی شامل خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان. لذا بررسی نظرات رهبر معظم انقلاب در باب اصول اخلاقی و معنوی در حوزه‌های مختلف را در جستجو با آیات قرآن کریم تطبیق دادیم که بررسی و تطبیق نظریات رهبر معظم انقلاب در باب اصول اخلاقی با آیات قرآن کریم، به خوبی نشان‌دهنده این موضوع است که تا چه حد، بیانیه گام دوم و نظریات رهبر معظم انقلاب با آیات قرآن مطابقت و همخوانی دارد.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، بیروت: دار الصاد، ج ۱۵.
- بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم، ج ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹). بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: سایت رهبر انقلاب اسلامی ایران.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸). حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۶). اخلاق و معنویت در آیینه نگاه مقام معظم رهبری، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چاپ سوم.
- خوانساری، جمال (۱۳۸۴). شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، مصحح جلال الدین محدث، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم. قابل دسترس در <http://farsi.khameenei.ir/message-conent?id=41673>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای؛ [khamenei.ir](http://khamenei.ir)
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق سید غلامرضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
- سادات، محمد علی (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- فتحعلی خانی، محمد (۱۳۷۹). آموزه های بنیادین علم اخلاق، تهران: شهریار، چاپ ۱.
- مطهری، مرتضی (بی تا). ده گفتار، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ج ۱، چاپ اول.
- نجار زادگان، فتح الله (۱۳۸۸). رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف.